

از اعتصاب هفت تپه تا اعتراضات در خوزستان

خالد حاج محمدی

امروز ۱۶ روز از اعتصاب گسترده کارگران نیشکر هفت تپه میگذرد. اعتصابی که به همت اتحاد و هوشیاری کارگران تاکنون متحدانه پیش رفته است و کارگران همه بخشهای این مرکز را حول مطالبات خود متحد کرده است. کارگران تاکنون بارها اعلام کرده اند که تا تامین مطالبات خود از اعتراض و اعتصاب دست نخواهند کشید و تامین این مطالبات تنها و تنها با اتحاد همه جانبه همه بخشهای کارگری این مرکز قابل وصول است. مطالبات آنها عبارتند از: «اخراج فوری کارفرمای خلع ید شده و محاکمه مختلسین، پرداخت فوری حقوق معوقه همه همکاران، تهدید فوری قراردادهای تمام همکاران منجمله همکاران دفع آفات و غیرنیشکری، بازگشت به کار همکاران اخراجی، واکسیناسیون عمومی، سریع و رایگان در مقابل کرونا».

اعتصابات هفت تپه همراه است با موج اعتراض مردم زحمتکش خوزستان به بی آبی که سراسر این منطقه را درنوردیده است و امروز دامنه آن به سایر استانها کشیده شده است. مردم محروم در بقیه استانها و شهرها ضمن حمایت از مردم خوزستان اعلام کرده اند که خواست مردم خوزستان مطالبات آنها نیز میباشد. کارگران هفت تپه به عنوان بخشی از مردم این منطقه نیز بدست اعلام کرده اند که: «وضعیت خشکسالی هفت تپه و خوزستان و همیاری در اعتراضات برحق مردم خوزستان بخشی از وظایف همه ماست که باید با قدرت آن را ادا کنیم».

همزمان با اعتصابات کارگران هفت تپه ما شاهد ادامه اعتصابات در نفت و گاز و پتروشیمی ها هستیم. علاوه بر این روزانه شاهد دهها اعتراض و اعتصاب کارگران مراکز کارگری از شمال تا جنوب و از غرب تا شرق علیه عدم پرداخت دستمزد، عدم پرداخت بیمه کارگران از جانب کارفرمایان، خواست افزایش دستمزد و بهبود شرایط کاری، اعتراض به اخراج و بیکار سازی و ... هستیم.

تا اکنون در مقابل این موج از اعتصابات کارگری و در مقابل اعتراضات مردم حق طلب در خوزستان و بقیه استانها، حاکمیت با ریاکاری کامل و با پز اینکه «البته که مردم حق دارند»، در عمل کوچکترین اقدام قابل توجهی را انجام نداده است. بعلاوه ارگانهای سرکوب و مراکز پلیسی و اتاقهای فکری آنها به شیوه های رایج تلاش کرده اند به انشقاق در میان کارگران و مردم معترض دامن بزنند، تلاش کرده اند کارگران اعتصابی را خسته کنند و با اتکا به فقر تحمیل شده به کارگران، آنها را به قناعت، کوتاه آمدن و تمیکن به شرایط حاکمیت و کارفرمایان وادار کنند. .. صفحه ۴

-کارگران جهان متحد شوید!

از حکمتیست می پرسند:

اعتصاب کارگران نفت، امروز و آینده آن



مقدمه در مورد از حکمتیست می پرسند

بیش از یکماه از اعتصاب بیش از صد هزار کارگر نفت و گاز و پتروشیمی ها میگذرد و علیرغم اهمیت اقتصادی و سیاسی صنعت نفت، علیرغم گسترده شدن هر روزه آن هنوز کارگران جواب روشنی از جمهوری اسلامی نگرفته اند. اخیرا گفته میشود که دولت و کارفرمایان قول داده اند که مطالبه «بیست روز کار و ده روز مرخصی» که یکی از مطالبات اصلی کارگران اعتصابی نفت بوده است را اجرایی کنند. سوال اینست که چه سیاستی پشت این قرار و مدارهای دولت و کارفرمایان در رسیدگی به مطالبات کارگران نفت خوابیده است؟ آیا رژیم قادر به جوابگویی به مطالبات کارگران نفت از مطالبه بیست-ده تا پرداخت حقوقهای معوقه، شرایط برده وار کار و زندگی، لغو پیمانکارها و ... هست؟ ... صفحه ۲

حمایت جهانی از اعتراضات کارگران نفت و

اعتراضات توده ای

اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

طغیان اعتراضات مردم در خوزستان،

سیگنال بی موقع و بی مایه قوم پرستان

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

اعتراضات وسیع مردمی در سراسر خوزستان گسترش یافته است و هر روز در حال تکثیر در شهرها و استان های بیشتری است. اعتراضاتی که مورد گرم ترین حمایت های مردمی در سراسر ایران قرار گرفته است. حتی مسیبین فقر و فلاکت هم صدای اعتراض برحق مردم را شنیده اند. از خامنه ای و روحانی تا رئیس و تمام سلسله مراتب قدرت، رسماً و علناً جرات نکردند حتی با آن «مخالفت» کنند یا مردم تشنه رهایی از فلاکت و استبداد را به جایی و کسی منتسب کنند.

علنی برای مردم معترض، با پز «اعتراض حق است»، دست تکان میدهند و در خفا علیه شان نقشه می کشند و توطئه میکنند. اینترنت را علنی قطع کرده اند تا، اگر بتوانند، آنرا در خفا و «دزدکی» سرکوب کنند. در عین حالی که خبر ریزش نیروهای سیاسی و نظامی شان را سانسور میکنند و جلو انتشار خبرش را میگیرند، ... صفحه ۵

تشنگان آب! تشنگان آزادی، تشنگان برابری!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

جنگ آب در خوزستان جنگ مردم کردستان هم هست!

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

آزادی برابری حکومت کارگری

خودش را از کارگران متحد هفت تپه هم گرفت. تلاش در دامن زدن به تفرقه قومی، به تفرقه کارگر «بومی» و «غیر بومی»، در پرونده سازی علیه نمایندگان کارگری، تلاش در سردواندن کارگران و وعده های پوچ و توخالی دادن، تلاش برای استفاده جناحی از اعتراض کارگر هفت تپه، نمونه هایی از توطئه رژیم و کارفرما علیه هفت تپه ای ها بود که با درایت و هوشیاری کارگران هفت تپه یکی بعد از دیگری خنثی شد و شکست خورد. از این زاویه هفت تپه تجربیات گرانبهایی دارد که طبقه کارگر در ایران میتواند و باید به آنها تکیه کند و از آن بیاموزد تا بتواند مانند هفت تپه ای با قامت بلند اعتراض مستقل خود را پیش ببرد و جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی کند.

جمهوری اسلامی روی وضعیت فلاکتبار معیشتی بخش اعظم کارگران پروژه ای (ارکان ثالث) حساب باز کرده است و امیدوار است با همین سیاست سردواندن و وعده های پوچ و قبول یک یا دو مطالبه آنان، برای مدتی بسیار کوتاه، کارگران را ناچار به بازگشت به کار کند. اینکه تا چه حد در این سیاست خود موفق میشود به تشخیص، هوشیاری و پیگیری کارگران نفت و سازماندهندگان این اعتصاب برمیگردد. سرنوشت این جدل را قطعاً فقط حاکمیت تعیین نمیکند.

حکمتیست: مسئله پایان اعتصاب و رای گیری برای آن در برخی شبکه های اجتماعی پیچیده است و تاکنون بخشی از کارگران اعتصابی هم به سر کار بازگشته اند. مستقل از پیروزی یا عقب نشینی در این اعتصاب، مستقل از اینکه باید به چه سطحی از توقع رضایت داد، سوال اینست که تصمیم گیری در مورد سرنوشت اعتصاب و مطالبات کارگران اعتصابی از چه مجرای و با توسل به چه مکانیسمی باید صورت بگیرد؟

آذر مدرسی: اجازه بدهید ابتدا در مورد محک پیروزی این اعتصاب به نکته ای اشاره کنم. به نظر من این اعتصاب تا همین حالا هم پیروز بوده. اعتصاب چند صد هزار کارگر در مهمترین رشته تولیدی در ایران یک زمینه لرزه سیاسی و اجتماعی است. زمین لرزه ای که قدرت طبقه کارگر در فضای سیاسی و اجتماعی امروز جامعه و در تحولات آتی را به نمایش گذاشت و زمین را زیر پای کل بورژوازی ایران، از پوزیسیون تا اپوزیسیون، به لرزه در آورد. بیخود نیست اعتصابی که ظاهراً فقط بر سر ۷ یا ۸ مطالبه اقتصادی یا صنفی است به مهمترین مسئله اجتماعی در جامعه و نیروهای سیاسی تبدیل میشود. این مترژ پیروزی این اعتصاب است. طبیعتاً خود رژیم و نیروهایی تلاش میکنند مترژ را رسیدن به چند مطالبه تخفیف بدهند و با برآورده شدن یکی دو مطالبه اعلام کنند پیروز شدیم و کارگر نفت را از دیدن و تشخیص قدرت و تاثیر واقعی، عمیقتر و طولانی مدت تر اعتصاب خود محروم کنند. کارگران نفت سال گذشته همین تجربه را داشتند که با مشتکی وعده و وعید و تعهد و قول آنها را به سرکار بازگرداند و بعد از مدت کوتاهی روشن شد که همه «تعهدات» و «قول ها» پشیزی ارزش ندارند. البته تاثیر این تجربه و درسگیری از آنرا در اعتصاب امسال میتوان بخوبی مشاهده کرد. بهر حال اعتصاب کارگران نفت تا همین جا پیروزی بزرگی برای طبقه کارگر ایران در جدالشان برای رفاه و سعادت همگانی است.

امروز ادامه یا پایان دادن به اعتصاب و شروط پایان دادن به آن مورد بحث کارگران نفت و محافل کارگران پیشرو آنان است. بخشی از این بحث را در شبکه های اجتماعی میتوان تعقیب کرد. ممکن است کارگران تصمیم بگیرند با رسیدن به بخشی از مطالبات خود اعتصاب را تمام کنند، تصمیم بگیرند سنگری را تسخیر کرده اند و از این سنگر میتوانند برای پیشروی های قدرتمند تر فردا استفاده کنند و با دلایل متعدد، منجمله فشار اقتصادی، تصمیم بگیرند فعلاً به برآورده شدن یکی دو مطالبه رضایت بدهند. همه اینها ممکن است. در نتیجه اینکه صحبت از پایان اعتصاب با رسیدن به تعدادی از مطالبات در میان کارگران در جریان باشد طبیعی ترین مسئله است. این دیگر کار کارگر پیشرو، رادیکال و رهبری عملی است که اولاً دخالت مستقیم و آگاهانه کارگران در تصمیمگیری را ممکن و تضمین کند، راههای آنرا پیدا کند، دوماً قطب نما و مطالبات

آذر مدرسی: وضعیت کار و زندگی کارگران نفت، سیاست جمهوری اسلامی در ایجاد تفرقه در میان کارگران نفت و گاز، از تقسیم آنان به کارگر و کارمند رسمی و پروژه ای، از مشمول قانون کار شدن یا نه، از سپردن بخش اعظم کارهای میدانی به پیمانکاران مختلف تا قوانین ویژه مناطق آزاد، دستمزدهای ناچیز در قبال کار سخت در شرایط طاقت فرسا، ساعات کار طولانی ۱۲ تا ۱۳ ساعته، وضعیت برده وار و غیر انسانی زندگی در کمپها و خوابگاههای کارگری، امنیتی کردن فضای کار در صنعت نفت و گاز و ... مسائل و معضلاتی است که کارگران نفت چه در اعتصابات قبلی و اعتصاب اخیر خود به آنها پرداخته اند. مقابله با این شرایط و عقب راندن جمهوری اسلامی و کارفرما، از وزارت نفت تا پیمانکاران، در تعرض بیشتر به زندگی کارگران و خانواده های آنان و در یک کلام بهبود وضعیت کار و زندگی، برمتن وضعیت نابسامان اقتصادی امروز عاجل تر از هر دوره ای شده است. اعتصاب امروز کارگران نفت، گاز و پتروشیمی ها در حقیقت اعلام به میدان آمدن کارگران نفت و پیوستن به جدال میلیونی طبقه کارگر و مردم محروم بر سر معیشت و رفاه با بورژوازی ایران است. جمهوری اسلامی هم به ابعاد این اعتصاب و تاثیرات آن بر اعتراضات طبقه کارگر سایر بخشهای جامعه و مهمتر از هر چیزی از تاثیر آن بر موقعیت نابسامان خود در مقابل مردم معترض و هم بر ناتوانی و معضلات خود در تقابل رو در رو با کارگران و عجز خود در سرکوب اعتراضات واقف است. در نتیجه برخورد حاکمیت به این اعتصاب تابعی از جایگاه کارگر نفت و تاثیرات سیاسی و اجتماعی این اعتصاب در جامعه و موقعیت جمهوری اسلامی محاصره شده در اعتراضات مردم و بخصوص طبقه کارگر است. جمهوری اسلامی از نظر اقتصادی توان جواب به نیاز کارگران نفت را ندارد. بن بست اقتصادی حاکمیت در کنار فساد مالی و مخارج هنگفت سرپا نگاه داشتن خود (دستگاه سرکوب) امکانی برای جوابگویی به مطالبات کارگر نفت، کارگر فولاد، کارگر هفت تپه، مردم تشنه آب و آزادی خوزستان، بازنشسته و مالباخته و ... باقی نگذاشته است. علاوه بر این عقب نشینی کامل در مقابل مطالبات کارگران نفت و برآورده کردن تمام مطالبات آنان بدلیل تاثیرات سیاسی و اجتماعی آن بر جامعه و عیان کردن عجز رژیم در مقابل مردم میتواند به معنی مرگ حاکمیت باشد. تقبل حداقلی از عقب نشینی همراه با وعده های پوچ تنها راهی است که جمهوری اسلامی در مقابل خود دارد.

تا امروز سیاست رسمی جمهوری اسلامی تلاش در ایجاد تفرقه در میان کارگران نفت از طریق امتیاز دادن به بخشی از آنها و سلب مسئولیت در قبال بخشهای دیگر، وعده دادنهای پوچ، موکول کردن رسیدگی به مطالبات به مجاری اداری و بوروکراتیک، حواله دادن مسئولیت جوابگویی به ادارات، نهادها و ارگانهای متفاوت و در یک کلام سردودان و مستاصل کردن کارگران بوده است. در کنار آن از توطئه برای شکست اعتصاب، چه از طریق وعده وعید پیمانکاران مختلف به کارگران، یا از طریق قطع آب و برق و غذای کارگرانی که در طول اعتصاب در خوابگاهها و کمپها ماندند، و چه از طریق کلاهبرداری و ارائه قراردادهای بی اعتبار «منطبق با خواست کارگران» و تشویق کارگران به بازگشت به کار و ... کوتاهی نکرده است. زمانیکه دستگاه سرکوب ناتوان و عاجز از مقابله است روی آوری به این ترفندها تنها راه شکست اعتصاب و مقابله با کارگران اعتصابی است. در کنار این استفاده سیاسی و جناحی کردن از این اعتصاب، حواله دادن رسیدگی به مطالبات به دولت آتی و عملاً کش دادن قبول همان حداقلی از خواستها و عقب نشینی به دولت رئیس، تبدیل عقب نشینی خودشان به «الطاف» دولت و به سر کار فرستادن کارگر معترض و مدعی و تبدیل رئیس به «قهرمان نجات کارگران» در حاشیه سیاست اصلی حاکمیت در قبال اعتصاب کارگران نفت است که کارگران پیشرو در نفت باید نسبت به آن هوشیار باشند. همین سیاست در هفت تپه اجرا شده و میشود. زمانیکه زندان و شکنجه و «سناریوی سوخته» و تهدیدات در مقابل کارگران هفت تپه به جایی نرسید، رژیم همین سیاست را علیه هفت تپه ای ها به کار برد و جواب

بیانیه حقوق جماعتمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شورای است

کارگر به حداقلی رضایت بدهد بالا است. بیخود نیست که اعلام پیوستن بخشهایی از کارگران به اعتصاب سراسری از طریق تجمعات خود و اعلام آن در تجمعات کارگری با استقبال زیادی در میان خود کارگران نفت و گاز و پتروشیمی روبرو شد. کارگری که در تنهایی خود در خانه منتظر جواب بود از تک تک این تجمعات احساس قدرت میکرد.

به هر حال این اعتصاب اگر امروز با قبول بخشی از مطالبات خود تمام شود، دوباره سر بلند میکنند. در این دوره و در این فاصله این وظیفه کارگران سوسیالیست و هوشیار نفت و گاز و پتروشیمی است که کارگران را برای دوره آتی اعتراض و اعتصاب آماده کنند. باید نه فقط مجامع عمومی حقیقی و واقعی در محل کار را در دل این اعتصاب همین امروز تشکیل داد و آنرا مبنای تصمیمگیری واقعی گذاشت، بلکه فردای تمام شدن اعتصاب باید دائمی کردن این مجامع عمومی و تکیه کارگران بر خرد جمعی خود را در دستور خود قرار دهند. بهر صورت هر اعتصاب کارگری شروع و پایانی دارد و نکته مهم این است که هم در شروع و هم در پایان و یا اتمام اعتصاب اتحاد کارگری حفظ شود و نه تنها لطمه نخورد بلکه و بعلاوه تقویت شود. پیروزی کارگران نفت در مبارزه امروز و فردای خود تابعی از اتحاد و ایستادگی و مقابله با دسیسه ها و تلاشهای دشمن برای افشاندن تخم نفاق و انشقاق است. میزان قدرت کارگران اعتصابی بازتابی از درجه اتحاد آنها حول مطالبات شان است. این اتحاد روی زمین سفت و دنیای واقعی ممکن است و متحقق میشود.

اعتصاب کارگران نفت و گاز و پتروشیمی مستقل از نتیجه فوری آن بر زندگی شان، مستقل از تاثیرات آن بر فضای سیاسی و اجتماعی، امکان متحد کردن و متحد شدن یک بخش جدی از طبقه کارگر ایران را فراهم کرده است. این فرصت و این امکان را باید تشخیص داد و از آن بیشترین استفاده را برای متحد کردن کارگر نفت برای بالابردن خودآگاهی طبقاتی این بخش از طبقه کارگر، برای وصل کردن بخشهای مختلف طبقه کارگر به هم کرد. کاری که دست کارگران سوسیالیست و رادیکال را میبوسد.

کارگران سوسیالیست، رفقای کمونیست

خروش میلیونی مردم تشنه آب، آزادی، رفاه و عدالت اجتماعی، سرتاسر ایران را فرا گرفته است. حاکمیت ارتجاعی و مستاصل از اداره جامعه، بیش از هر زمانی، ناتوان و زبون در مقابل مردم قرار گرفته است. شما طبقه کارگر ایران، از هفت تبه پرچمدار پیشروی های تا به امروز تا فولاد، نفت و پتروشیمی و... در جدالهای وسیع، قدرت این خروش و نقطه امید آن هستید! زمان ایفای نقش تعیین کننده و سرنوشت ساز ما مدتها است فرا رسیده!

متحد کردن طبقه کارگر در شوراها کارگری خود، در شوراها مردمی محله و شهر رسالت و وظیفه شما است! جامعه چشم امید به شما دوخته است. برای به پیروزی رساندن این خروش میلیونی دست به کار شوید!

اساسی تری که نقش کلیدی در تحمیل فقر و بیحقوقی کارگران دارد را فراموش نکنند و سوما نسبت به سیاستها و توطئه های کارفرما، حکومت و نیروهای ارتجاعی هوشیار باشد و کارگران را هوشیار نگاه دارد. در این زمینه باز باید سراغ هفت تبه و فولاد رفت که با اتکا به مجامع عمومی خود در محل کار، هم دخالت کارگران را در تصمیمگیری بر پیشبرد اعتصاب را تامین کردند، هم اجازه ندادند عقب نشینی های موقتی باعث از دست دادن قطب نمای اعتراض شان شود و هم ارتقا خودآگاهی کارگران و همزمان مقابله با توطئه ها علیه کارگران را تضمین کردند و هم کارگران هفت تبه را حول مطالبات و نمایندگان واقعی و دلسوز خود متحد نگاه داشتند. بدون اینها پنج سال اعتصاب، پنج سال جنگ سنگر به سنگر با کارفرما و مهره هایش، با جمهوری اسلامی و دستگاه عربی و طویل اداری و سرکوب آن و همزمان متحد نگاه داشتن کارگران هفت تبه ممکن نبود.

نفس پایان اعتصاب یا توافق بر سر حداقلی از مطالبات در مبارزه روزمره کارگر تابعی از توازن قوا میان کارگر و کارفرما است و حاکی از پیروزی یا شکست نیست. مسئله مهمتر مولفه هایی است که قدرتمند تر شدن موقیعت کارگر در این جدال را نشان میدهد. مولفه هایی مانند اینکه این اعتصاب و سازماندهندگان و رهبران آن تا چه حد در متحد کردن و متحد نگاه داشتن کارگر موفق بوده اند، تا چه حد در دخالت دادن کارگران در تصمیمات، در انتخاب نماینده واقعی و رادیکال خود، در تشخیص ترفندهای دشمن، در خنثی کردن آن و در داشتن تصویری از آینده این اعتراض، کارگر را خودآگاه تر کرده است. اعتصاب کارگران هفت تبه قبل از تحمیل خلع ید از اسد بیگی، به موفقیت های بزرگی رسید و در سطح جامعه توانست مهر کارگر و رادیکالیسم کارگری را به فضای سیاسی بزند. شعار «من هفت تبه ای هستم» قبل از خلع ید از کارفرما شعار همگانی شد. کارگران معدن در انگلیس در نهایت نتوانستند به مطالبات خو برسند اما مهر خود را بر فضای سیاسی و اجتماعی انگلستان نه فقط در دوره اعتصاب خود که تا امروز هم زده اند. از این زاویه اینها پیروزی های جدی طبقه کارگر در جدالشان بر سر رفاه و سعادت است.

زمانیکه از دخالت کارگران میگویم منظوم دخالت از طریق شبکه های اجتماعی و دنیای مجازی نیست. طبیعتا باید از میدیای اجتماعی بیشترین استفاده را برای انتقال تجربه و ... کرد. اما اگر هوشیار نباشیم اکتفا کردن به دنیای مجازی میتواند عامل جدی در اتمیزه کردن آحاد طبقه ای باشد که بنا به تعریف و بنا به نقشش در تولید طبقه ای اجتماعی است. دخالت کارگر باید واقعی و در محل کار باشد. کارگر تنها در خانه خود، زیر فشار کمر شکن زندگی و نگران از آینده اعتصابش، جز احساس ضعف و فشار احساس دیگری نمیکند. کارگر قدرت خود را در مرکز تولیدی و در کنار هم طبقه ای های خود میبیند. آنجا است که قدرت اجتماعی خود را میبیند و میتواند با اتکا به آن تصمیم بگیرد. اکتفا کردن به اظهار نظر در دنیای مجازی میتواند خطرناک باشد. دنیای مجازی میتواند دنیای پوشالی با هزاران ادعا و تصویر غیر واقعی باشد. دنیای مجازی میتواند در یک چشم بهم زدن با قطع اینترنت از صحنه حذف شود، اما مجمع عمومی با حضور هزاران کارگر را نمیتوان با هیچ چیزی از صحنه بیرون کرد. رهبر کارگری و نماینده کارگری که، مستقل از رادیکال بودن یا نبودن، صلاحیت و اعتبار خود را در جمع واقعی کارگران کسب کرده است را میشود به این راحتی و با یک اطلاعیه و بیانیه در دنیای مجازی خلع ید کرد. کارگر در دنیای مجازی ابزاری برای حمایت از نماینده خود و برای نشان دادن قدرت اجتماعی خود ندارد.

هیچ چیزی جای بحث رود رو، همفکری، همنظری در محل کار و در کنار رفقای کارگر، جای قانع کردن و قانع شدن رو در رو، را نمیگیرد و به کارگر احساس قدرت و بخشی از جمعی بزرگتر بودن را نمیدهد. از اینرو مجمع عمومی کارگران بخصوص در دوره اعتصاب بیشترین امکان دخالت و همفکری و تبادل نظر و انتخاب نمایندگان واقعی کارگران را میدهد، این پروسه است که در آن کارگران یاد میگیرند، تجربه کسب میکنند، صاحب خانه و تصمیم گیرنده میشوند، در تصمیمات دخالت مستقیم میکنند و نهایتا احساس قدرت میکنند. کارگر تنها در کنج خانه آنهم زیر فشار معیشت هیچگاه احساس قدرت نمیکند و همیشه شانس اینکه این

نه قومی نه مذهبی زنده باد همبیت انسانی

و نهایتاً تصمیم جمعی برای هر امری که می‌خواهند شده، مدرسه ای که از این کانال باز کرده اند تا از هم و از هم طبقه ای های خود در دل جدالی تعیین کننده بیاموزند، پا پیش گذاشتن هر روزه طیفی از رهبران و بار آمدن آنها در کوره مبارزه و جدال روزانه خود، حمایت وسیع مردم هفت تپه و شوش و بخشهای دیگر طبقه کارگر و مردم شرافتمند از این کانون، هفت تپه را نگاهداشته، آبدیده و حفظ کرده است. تا امروز همین راه و همین شیوه و همین تجربه در کنار همه تجربیات طبقه کارگر در چند دهه گذشته، در جدال امروز یک طبقه برای رفاه و آزادی به وسعت ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد. به همین اعتبار هفت تپه تنها نیست و یک گردان آبدیده از ارتش وسیع یک طبقه بزرگ به وسعت ایران است. طبقه کارگر، مردم شرافتمند و آزادیخواه در ایران قدر این تجربه، قدر این ایستادگی و قدر این هوشیاری اعضا خانواده خود را در این مرکز میدانند و آنرا ارج می‌نهند.

اما اکنون جدال از هفت تپه گذشته است، امروز نه تنها بخشهای مختلف طبقه کارگر که بخشهای محروم مردم به این جدال پیوسته اند، خواست و مطالبات آنها از تامین آب و برق و تا کاهش قیمتها، از دستمزد مناسب تا واکسن رایگان و فوری، از تب رایگان و تحصیل رایگان تا برابری زن و آزادی بیان، تشکل و حزب، از بهداشت مناسب تا حفظ محیط زیست و... همگی خواست مشترک کل این صف است.

حمایتهای تا کنونی مردم زحمتکش در هفت تپه و شوش و اهواز و کل منطقه از اعتصابات کارگری در فولاد و هفت تپه، و متقابلاً اعلام اینکه «خواست مردم خوزستان برای تامین آب و... بخشی از مطالبات ما است» از جانب کارگران هفت تپه، در هم تیدن این صف میلیونی و منفعت مشترک کارگران و اقشار محروم جامعه را نشان میدهد. اقدام کارگران هفت تپه در دفاع از مردم محروم خوزستان، قدمی به پیش و قابل تقدیر در مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران است. صف مردم محروم از خوزستان تا تهران، از خراسان تا کردستان و از بلوچستان تا مازندران و... صفی واحد برای آزادی و برابری است. کارگران هفت تپه بارها برای تضمین اتحاد این صف، برای تضمین پیروزی این صف، برای پس زدن و عقب راندن تعرض بورژوازی ایران و حکومت اسلامی، علیه هر نوع نفاق افکنی ایستاده اند. آنها هوشیارانه و مسئولانه تنها دسیسه های حاکمیت و ارگانهای مختلف آنها و اسد بیگی و عواملش برای کاشتن تخم نفاق های قومی، مذهبی، عقب مانده ضد کارگری را خنثی کرده اند، بعلاوه مشت دستجات قومی و ناسیونالیستی را در سرمایه گذاری بر این نفاقها را به نام دفاع از «اعراب»، از «بلوچ»، «بختیاری» و... را نیز باز کرده اند. آری درست مانند کارگران این مرکز در همه جا در مقابل سموم قومی و ناسیونالیستی، در مقابل هر نوع نفاق افکنی در صف مبارزات حق طلبانه مردم، در صف اعتراض و اعتصاب کارگری، در هر کجا و توسط هر جریان و کسی باید ایستاد.

پرچمدار این صف، طبقه کارگر ایران است، طبقه ای که علیه استثمار و بردگی و علیه حاکمیت سرمایه بر زندگی خود به میدان آمده است. طبقه ای که علیه هر نوع تبعیض و بی حقوقی است. طبقه ای که در دل هر پیروزی و با تامین هر مطالبه ای تلاش میکند، صف خود را متحدتر کند و نیروی خود را برای جدالهای اصلی و برای پایان بردگی مزدی و استقرار جامعه ای آزاد و مرفه و برابر آماده میکند. امروز روزی است که صف محرومین جامعه میتواند و باید زیر چتر رهایی بخش این طبقه، به رهبری کمیونتهای طبقه کارگر و به عنوان متحدین این طبقه به میدان آیند و با دستان خود زندگی خود را میسازند و دست دزدان و جنایتکاران حاکم را در چپاول جامعه کوتاه میکنند.

اعتصابات کنونی هفت تپه و جدال چندین ساله آنها با کارفرما و دولت دستاوردها و تجربه بزرگی را در مقابل اقشار زحمتکش جامعه قرار داده است. درسهای اعتصابات هفت تپه و تجربه مقاومت متحد و قهرمانانه کارگران این مرکز و الگویی که به دست داده اند، نه تنها قابل تکثیر که مهمتر امروز بخشی مهمی از تجربه جنبش کارگری در جدال برای تامین حداقل هایی از مطالبات خود با دولت و کارفرمایان است. کارگران هفت تپه طی سالهای گذشته بارها اعتصاب کرده اند، وارد مذاکره شده اند و گاهی با تامین بخشی از مطالبات خود به سر کار باز گشته اند. در این جدال روزانه علیه کارفرمای فاسد و حکومت فاسدتر از آن پیشروی های بزرگی کرده اند، از تحمیل خلع ید اسد بیگی تا آزادی رفقای دربندشان و گاهی هم عقب نشسته و نیروی خود را آماده جدالهای بعدی کرده اند. اما آنچه در کل این پروسه رمز موفقیت کارگران هفت تپه بوده، حفظ اتحاد و ماندگاری یک صف متحد به هم تنیده است. پیشروی و عقب نشینی شان متحدانه بوده و این تا امروز مهمترین فاکتور در بالابردن توان و قدرت کارگران هفت تپه برای ایستادن در مقابل دولت و نورچشمی های آنها و اسد بیگی های هفت تپه بوده است. این مهمترین ابزار کارگران این مرکز در خنثی کردن همه توطئه و دسیسه های مشترک کارفرما، وزارت اطلاعات، قوه قضائیه، دولت، مجلس، امام جمعه ها، خانه کارگر، شوراهای اسلامی و همه عوامل آنها بوده است. کارگران هفت تپه امروز هم به عنوان بخشی از مردم در خوزستان، علاوه بر مطالبات ویژه خود در هفت تپه، در کنار بقیه مردم آزادیخواه و به عنوان بخشی از آنها علیه بی آبی و خشکی منطقه، علیه قطع برق و بی مسئولیتی حاکمیت، علیه بی مسئولیتی جمهوری اسلامی در مقابل مرگ و میر روزانه مردم در اثر کرونا و عدم تامین واکسن برای مقابله با آن و هزار و یک مشکل دیگر ایستاده اند.

حساسیت حاکمیت به هفت تپه و رها کردن افسار اسد بیگی اختلاس کرده و خلع ید شده، برای دست درازی به هفت تپه و حمایت رسمی و غیر رسمی مقامات حکومتی برای کارشکنی در هفت تپه، چپاول اموال این شرکت، بسیج جمعی فریب خورده برای چاقو کشی، تلاش برای راه اندازی نزاع های قومی و مذهبی و... علیه کارگران دقیقاً از همین سر است. هفت تپه خار چشم کل این صف است. این ها از هیچ تلاشی، از هیچ توطئه و دسیسه ای در این منطقه و علیه هفت تپه کوتاهی نکرده اند. امروز دیگر کار به جایی رسیده که از سر استیصال و برای انتقام از کارگران این مرکز، برای خانم فرزانه زیلابی و کیل کارگران هم به همت قوه قضائیه پرونده درست کرده اند و او را هم پای میز محاکمه کشانده اند.

این تلاشهای ضد کارگری دال بر قدرت حاکمیت نیست! این بیان دست و پا زدن ارتجاعی است که امروز از همه سو از جانب کارگر نفت و گاز و پتروشیمی ها، از جناب کارگران معادن، برق، ماشین سازی ها، شهرداری و ترانسپورت و... از جناب پرستار، معلم، بازنشسته، از جانب زن و جوان و اقشار مختلف از مردم محروم، از خوزستان، آذربایجان، اصفهان، تهران، کرمانشاه و مازندران و... به مصاف طلبیده شده است. این تلاش حاکمیتی است که با اتکا به فقر و محرومیت تحمیل کرده خود، با اتکا به گرانی و بیکاری و گرو گرفتن نان شب این مردم، در کنار انواع دسیسه و تهدید و ارعاب، میخواهد کارگران و اقشار محروم جامعه را مستاصل کند، ناچار کند کوتاه بیایند و به جهنم موجود به نام زندگی گردن بنهند.

اما این موج خاموش شدنی نیست! این نیرو خالی و بدون کسب پیروزی های معینی به خانه باز نخواهد گشت. طبقه کارگر ایران از هفت تپه تا نفت و گاز و پتروشیمی ها و... یک پرچم مشترک را برداشته اند، علیه گرسنگی و برای افسار کردن دزدان و حاکمیتشان که به زندگی و هستی و جان و مال دهها میلیون انسان چوب حراج زده اند. این صف جز پیروزی و پیشروی راهی ندارد. این صف هر روز و در دل این جدال متحد تر میشود، صفوف خود را سازمان میدهد، رهبران و فعالین دلسوز خود را به جلو میراند و توازن قوای موجود میان خود و جمهوری اسلامی را به نفع خود تغییر میدهد. هفت تپه و اعتراضات این مرکز در این میان، اتکای آنها به تصمیمات جمعی، «سنگری» که به محل تجمع، اظهار نظر و تبادل عقیده

قدرت طبقه کارگر

در اتحاد و تشکل اوست!

مشور سرنگونی جمهوری اسلامی را به پرچم خود تبدیل کنید

طلغیان اعتراضات مردم در خوزستان...

تلاش میکنند که راه فراری از «مخمصه» و بحران فعلی بیابند. این وضع هیولای مخوفی است که پهل و دو سال پیش در ایران به قدرت رسید و امروز حتی جرات ابراز مخالفت علنی با کسانی که زیر پایش را داغ کرده اند، ندارد. میدانند این شروع روند خلاصی همیشگی از جمهوری اسلامی و رسیدن به آزادی و برابری، رفاه و امنیت برای همه مردمی است که رفتن جمهوری اسلامی، اولین و حداقل خواست شان است.

در خفا نقشه میکشند و توطئه میکنند تا بلکه اتحاد وسیع میلیونی مردم بپا خاسته و جان به لب رسیده از فقر و تبعیض و تحقیر و بی حقوقی را، نه به تسلیم که تسلیمی در کار نیست، که با ایجاد شکاف و انشقاق و جدال درونی میان مردم به شکست بکشانند. دشمنان مردم در حاکمیت، که همه ابزارهای قدرت و سرکوب شان در مقابل قدرت متحد میلیونی مردم بی اثر، خنثی و زنگ زده شده است، برای دفاع از موجودیت انگلی شان جز تفرقه در صفوف ما، جز ایجاد کینه و نفرت قومی، ملی و مذهبی و تلاش برای شقه شقه کردن صف متحدمان، ابزاری برای مقابله ندارند.

در مقابل اتحادمان حول «آزادی، برابری، رفاه و امنیت»، به مهندسی تخصصات قومی و مذهبی و دامن زدن به اختلافات ساختگی و هویت های جعلی از قماش شیعه و سنی، کرد و ترک و بلوچ و عرب و بختیاری و ... روی آورده اند. توطئه هایی که مدتهاست در برابر موج عظیم اعتراضات توده ای مردم چه علیه سیاست قومی- مذهبی کردن جوامع خاورمیانه و چه برای خشکاندن بخشی از این منجلباب عفونی در ایران، شکست خورده است.

در این میان، دمیدن در کالبد نیمه جان سازمانها و جریانات قوم پرست خواهان «ایران فدرال» که ظاهرا هنوز در بازار ارتجاع منطقه ای و جهانی خریدارانی دارد، آخرین سرمایه و حربه حاکمیتی است که توان عبور از حلقه محاصره مردم را ندارد. در کنار ناسیونالیستهای کرد و ترک و عرب، باندهای قوم پرست و دست ساز ترک، بلوچ و عرب که همیشه دست به سینه در خدمت ارتجاع جهانی و منطقه ای رکاب زده اند و در کمین فرصتی بوده اند، امروز چون قارچ در حاشیه اعتراضات مردم به میدان آمده و برای خدمتگذاری در جهت شقه شقه کردن صف متحد مردم، سیگنال های بی ریشه و بی موقع بفرستند. از طرف دیگر و به موازات و پا به پای آنها، دستجات «عظمت طلب فارس» به تحرک درآمده و به بهانه حفظ «تمامیت ارضی» نفرت قومی را دامن میزنند.

سازمانها و احزاب و شخصیت هایی که هریک به نوعی مصائب، تحقیرهای فرهنگی، تبعیض ها و محرومیت های مردم در بخش های مختلف ایران، در کردستان، خوزستان، سیستان بلوچستان، آذربایجان و تهران و ... در ستایه ایجاد رقابت و شکاف و تفرقه استانی و قومی و مذهبی کرده اند و تلاش میکنند که درد مشترک و سراسری نان و آب و مسکن و برق و بهداشت و سلامت و محیط زیست را به سهم خواهی های دلبخواهی قومی و قبیله ای این شهر ترک نشین و آن شهر کرد نشین یا عرب نشین و بلوچ نشین، تبدیل و برای آینده خود در «ایرانی فدراتیو» که شیرازه آن تماما از هم گسیخته شده، مقام و موقعیت و بارگاهی چون بارگاه همه روسای قبایل عقب مانده دست و پا کنند. رویایی سیاه و کثیفی که با پیوستن مردم تشنه برابری و آزادی، از تهران، اصفهان، اهواز و شوش تا کرمانشاه و تبریز و کرج و پیامهای روشن «خوزستان، اصفهان، اتحاد اتحاد» یا «فارس، ترک، عرب، اتحاد، اتحاد»، در بیداری به کام حاکمیت و نیروها و فرقه های قومی، زهر شد!

مصائب مردم در خوزستان، کردستان، تهران، گیلان، آذربایجان و سیستان و بلوچستان و ... با پیشروی و پیروزی مشترک همین مردم، در اتحاد با هم، درمان میشود. این را مردم ایران هر روز با گوشت و پوست خود حس کرده و آن را از هر منفذ ممکن اعتراضی که فوران میکنند، به بیرون اعلام کرده اند. کارگران پیشرو و طیف وسیع کمونیست های طبقه کارگر و حزب حکمتیست (خط رسمی)، تضمین میکنند که موانع پیشروی متحدانه جنبش آزادیخواهانه مردم که سراسر ایران را تسخیر کرده است، از پیش پا بردارند!

دست نیروهای قومی و مذهبی از زندگی مردم کوتاه!
 زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری
 حزب حکمتیست (خط رسمی)
 ۵ مرداد ۱۴۰۰ - ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۱

تشنگان آب! تشنگان آزادی تشنگان برابری!

ده روز از شروع طلغیان میلیونی مردم آزادیخواه در خوزستان میگذرد. خشمی که در اعتراض به بی آبی سرباز کرد و اکنون به روشنی درد مشترک اکثریت عظیم مردم ایران را با صدای رسا بانگ میزند و از خوزستان تا تهران، از کردستان و خراسان تا آذربایجان و بلوچستان و... را به هم وصل کرده است. طلغیانی که یک سر آن در خیابانها و در اعتراض محرومین در جریان است و سر دیگر آن در مراکز کارگری از نفت و گاز و پتروشیمی ها، تا هفت تپه و فولاد و معادن، تا صف معلم و بازنشسته و... را به هم تنیده است. این طلغیان مردمی است که از بی حقوقی، از فقر و گرانی، از بیکاری، از بی برقی و بی آبی و از توحش و بربریت حاکمان غیر مستول و بی لیاقت به تنگ آمده اند.

تشنگی مردم خوزستان، فقر و بی حقوقی اکثریت مردم ایران، بی برقی و مرگ و میر روزانه بدلیل کرونا، حقوق دریافت نشده کارگران، کارطاعت فرسا و در محیطهای کاری و دستمزدهای ناچیز، استبداد سیاسی و زن ستیزی، در کنار دزدی و چپاول سرمایه داران و حکومتیان، به جدالی دامن زده است که راه بازگشتی را برای طرفین آن باقی نگذاشته است.

موج حمایتها از مردم خوزستان در شهرهای مختلف ایران از تهران تا آذربایجان و کردستان، از مشهد تا کرج و... بیان درد مشترک این صف وسیع است، بیان خواست و مطالبه مشترک این مردم برای آزادی و برابری است.

راس این صف برای تعیین تکلیف این اوضاع و حل این بحران به نفع پایین جامعه و نجات جامعه از فقر و فلاکت و استبداد سیاسی طبقه کارگر ایران قرار دارد. طبقه ای که چندین سال است با اعتصابات و اعتراضات وسیع خود و امروز با پیوستن کارگران نفت و گاز و پتروشیمی ها تلاش میکند صف خود را متحد کرده و به عنوان یک طبقه واحد، با پرچم آزادی و برابری در راس اعتراض آزادیخواهانه مردم ایران برای پیروزی قدم بردارد.

مردم آزادیخواه!

طلغیان میلیونی و متحدانه شما علیه بی آبی و بی برقی و گرانی و بیکاری و فقر و فساد و بی مسئولیتی انگلهای در حاکمیت، اعتراض به دهها و دهها درد درمان نشده جامعه هشتاد میلیونی به فقر و فلاکت کشیده شده ایران، باید به پیروزی برسد! پیروزی این صف ممکن است.

برای پیشروی و پیروزی باید فوری در ارگانهای اعمال اراده خود، متحد شوید! در محل کار و محل زندگی، در شوراهای کارگری و مردمی، یا هر نهاد و ارگان و سازمان و شکلی که دخالت متحدانه و مستقیم شما از بطن جامعه را تضمین کند، متحد شوید! باید اداره امور را در محله، شهر و در همه مشاغل جامعه، بدست گرفت!

باید حاکمان مرتجع و نالایق، این حامیان نظام سود و استثمار و استبداد را که نه توان و نه خواست برآورده کردن ابتدایی ترین خواستههای شما را ندارد، مرخص کرد و کنترل زندگی خود را بدست گرفت. حاکمیتی در کار نیست! باید مردم متشکل در شوراهای حاکمیت کنند.

حزب حکمتیست (خط رسمی) تا پیروزی و دستیابی به آزادی، رفاه، امنیت و حکومت شورایی در کنار شما مردم آزادیخواه، کارگران، زنان، جوانان، معلم و بازنشسته و محرومین جامعه از پا نخواهد نشست! برای دستیابی به «آزادی، رفاه، حکومت شورایی»، همین امروز، و فوراً دست به کار شوید!

زنده باد آزادی و بربری
 مرگ بر جمهوری اسلامی

حزب حکمتیست (خط رسمی)
 ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۱

انتخاب مردم:

آزادی، رفاه، حکومت شورایی!

جنگ آب در خوزستان جنگ مردم کردستان هم هست!

مردم آزاده کردستان!

شما شاهد اعتراضات مردم خوزستان برای آب هستید. شما شاهد ناتوانی و بی تفاوتی جمهوری اسلامی در تامین آب و برق برای میلیونها شهروند در خوزستان هستید. همه شما قربانیان بی مسئولیتی مطلق جمهوری اسلامی در تامین نان، آب، در تحمیل فقر و فلاکت به زندگی میلیونها انسان هستید. مردم در خوزستان، در شهرهای متعددی علیه فقر و فلاکت و برای تامین ابتدایی ترین نیازهای شان، بویژه آب، درگیر یک اعتراض همگانی در جنوب کشوراند.

محدود ماندن این اعتراض علیه بی آبی، بی برقی، علیه خفقان و سرکوب به خوزستان برای فشار به حاکمیتی ارتجاعی و ضد مردمی و ناچار شدن به تامین آب آشامیدنی این منطقه کافی نیست. این جدال برای یک زندگی انسانی باید به پیروزی برسد. دو طرف این جدال دو پاسخ به این جدال میدهند؛ پاسخ جمهوری اسلامی ادامه بی تفاوتی همراه با دستگیری و فرار از رودرویی آشکار با مردم خشمگین و نهایتاً خستگی مردم خوزستان در مبارزه شان برای آب است. اگر رژیم با همین تاکتیک، در مقابل تک تک خواست های مناطق مختلف کشور، پیش برود، نهایتاً مردمی خواهد داشت که علیرغم تنفر از جمهوری اسلامی، ناچار به تمکین و ادامه این زندگی جهنمی اند. پاسخ دوم پیوست مردم در سراسر کشور نه فقط برای خواست آب در خوزستان و بخش اعظم ایران، بلکه برای نان و آزادی و برابری تک تک آحاد شهروندان در سرتاسر ایران است. این آن شرایطی است که جمهوری اسلامی ناچار است بین رفتن خود و تحویل جامعه به خود مردم، یا تامین فوری نیازمندی های مردم، یکی را انتخاب کند.

مردمان آزاده کردستان!

درد شما و مردم در خوزستان، تهران، اصفهان، رشت، تبریز و ...، یک درد مشترک است! نان، آب، برق، مسکن و یک زندگی شایسته، مطالبه مشترک میلیونها شهروند این جامعه است. بهم گره زدن این خواست و اعتراض برای دستیابی به رفاه و آزادی و برابری از شمال تا جنوب و از غرب تا شرق، امروز یک ضرورت حیاتی برای رسیدن به خواست های مشترک میلیونی در سرتاسر ایران است.

طی چند روز گذشته شاهد پیوستن مردم در تبریز و اصفهان و شهرهای دیگر به اعتراضات مردم در خوزستان و گستره تر شدن صف این اعتراض و جدال و ناتوانی حاکمیت در تقابل با این اعتراضات و جلوگیری از گسترش آن بوده اید. وقت آن رسیده مردم آزادیخواه در کردستان با حمایت از مردم خوزستان و با پیوستن به این اعتراض سراسری، مبارزه آزادیخواهانه مردم در سرتاسر ایران را برای رفاه و آزادی قدرتمند تر کنند.

مردم!

جنگ امروز با جمهوری اسلامی، جنگی سراسری برای یک رهایی همگانی از جهنمی است که جمهوری اسلامی برای هشتاد میلیون انسان در ایران ساخته است. این جنگ بر سر نان و آب و زندگی باید پیروز شود. پیروزی که در گرو اتحاد و همبستگی همگانی و قرار گرفتن در یک سنگر واحد برای منافع عمومی است. برای تقویت صفوف این اعتراض و این مبارزه مقدس، ما همه شما را در تمام شهرها و روستاهای کردستان، به پیوستن به صف اعتراض همگانی فرامیخوانیم.

جنگ علیه تبعیض، فقر، محرومیت و استبداد، باید صدای قوی تر و صفوف متحدتر و سراسری تری داشته باشد.

زنده باد مبارزات عدالت خواهانه مردم در خوزستان،
زنده باد جنگ مردم برای نان و آب و برابری و آزادی

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۴ مرداد ۱۴۰۰ - ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۱

اطلاعیه شماره یک

حمایت جهانی از اعتراضات کارگران نفت و اعتراضات توده ای

در ادامه اعتصابات کارگران نفت و اعتراضات توده ای در اقصی نقاط ایران، اطلاعیه ها و پیامهای زیر به دست ما رسیده است:

۱- «خوزه بوداس» دبیر کل فدراسیون سراسری کارگران نفت در ونزوئلا و از اعضا رهبری حزب «سوسیالیسم و آزادی» به نمایندگی از جانب اتحادیه اش سی- کورا در پیامی ویدئویی رو به کارگران اعتصابی نفت در ایران، همبستگی خود را اینگونه اعلام کرده است:

«در ۱۹ ژوئن ۲۰۲۱، کارگران نفت کلیدی ترین بخش طبقه کارگر ایران، اعتصاب سراسری خود را با پشتیبانی وسیع عمومی آغاز کرده که بخش عمده صنعت نفت ایران را به زانو در آورده و از جمله خواهان افزایش حقوق، پایان دادن به قراردادهای موقت، پایان خصوصی سازی و آزادی تشکل و از بین رفتن مناطق ویژه اقتصادی است... کارگران نفت بیش از ۳۰ روز است که برای شرایط بهتر کار، علیه گرسنگی، دستمزد و پیمانکاری، با حقوق های ۱۰۰ تا ۱۵۰ دلاری در ماه، در اعتصاب هستند. علاوه بر اعتراضات کارگران، اعتراض عمومی دیگری در سطح جامعه در جریان است که علیه گرانی و اوضاع فلاکتبار معیشتی مردم به میدان آمده است.»

در پایان پیام، خوزه بوداس تاکید کرده است که این تنها مبارزه است که زندگی را تغییر میدهد و بعنوان دبیر فدراسیون واحد کارگران نفت ونزوئلا، این پیام همبستگی و دروهای انقلابی را به کارگران و مردمی که علیه حاکمیت دیکتاتوری سرمایه داری در ایران مبارزه می کنند، خواهد فرستاد.

لینک کامل پیام در سایت زیر قابل دسترس است:

[jose-bodas-expresses-solidarity-with-iranian-oil-workers-on-strike/?lang=en](https://uit-ci.org/index.php/jose-bodas-expresses-solidarity-with-iranian-oil-workers-on-strike/?lang=en)

۲- دومیندا ناگاموا از طرف «مرکز مبارزات کارگری لانکا» طی بیانیه ای، حمایت و همبستگی خود را با اعتصاب کارگران نفت در ایران اعلام کرد:

با دروهای گرم و همبستگی با اعتراضات کارگران نفت، گاز و پتروشیمی از مرکز مبارزات کارگری (لانکا)

مردم ایران با مشکلات عدیده ای حتی قبل از پاندمی کرونا مواجه بودند. دهها هزار شهروند در بسیاری از شهرها برای شرایط بهتر زندگی در خیابان ها به مبارزه پرداختند. همچون بسیاری دیگر دولت های سرمایه داری، جمهوری اسلامی نمی توانست و هرگز نمی تواند، راه حلی برای مسائل واقعی مردم داشته باشد. در واقع این شرایط با پاندمی کرونا شدت یافت، اما این بدین معنی نیست که حاکمان می توانند از این پاندمی برای ورشکستگی سرمایه داری استفاده کنند. بنابراین، تنها راه برای مردم مبارزه متحد برای دستیابی به حقوقشان هست. ما به طبقه کارگر، بخصوص بخش کارگران صنعت نفت و گاز و پتروشیمی که در شرایط سخت کار، کم حقوقی، قراردادهای استخدام و ساعات کار و روزهای طولانی مبارزه می کنند، به خود می بالیم. همچون انقلاب ۱۳۷۹، شما در صف مقدم مبارزه برای حقوق کارگری و برای بیداری طبقه کارگر در سراسر ایران و جرات دادن به مبارزه برای حقوقشان قدم برداشته اید.

دولت اسلامی بایستی بفهمد که آزادی بیان، سازمان و اعتراض حق پایه ای مردم است. حقی که مردم در طول تاریخ بشریت به ندرت بدست آورده اند. هیچ کسی نمی تواند این حق را از مردم ایران بگیرد.

ما جمهوری اسلامی را تحت فشار می گذاریم تا :

* قراردادهای دائم به کارگران بر اساس ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی را، بجای ساعات کار طولانی در شرایط سخت کاری بپذیرد. ... ادامه در صفحه بعد

مردم آزاد میخواه!

ظغیان میلیونی و متحدانه شما علیه بی آبی و بی برقی، گرانی و بیکاری، فقر و فساد و بی مسئولیتی انگل‌های در حاکمیت، اعتراض به دهها و دهها درد درمان نشده جامعه هشتاد میلیونی به فقر و فلاکت کشیده شده ایران، باید به پیروزی برسد!

برای پیشروی و پیروزی باید فوری در ارگانهای اعمال اراده خود، متحد شوید!

در محل کار و محل زندگی، در شوراهای کارگری و مردمی، یا هر نهاد و ارگان و سازمان و شکلی که دخالت متحدانه و مستقیم شما از بطن جامعه را تضمین کند، متحد شوید!
باید اداره امور را در محله، شهر و در همه مشاغل جامعه، بدست گرفت!

باید حاکمان مرتجع و نالایق، این حامیان نظام فقر، سود و استثمار را که نه توان و نه خواست برآورده کردن ابتدایی ترین خواسته‌های شما را ندارد، مرخص کرد و کنترل زندگی خود را بدست گرفت.

حاکمیتی در کار نیست! باید مردم متشکل در شوراها حاکمیت کنند. برای دستیابی به «آزادی، رفاه، حکومت شورایی»، همین امروز، و فوراً دست به کار شوید!

این پیام تا بحال به امضاهای زیر رسیده است:

- جان رایمن (منشی سابق اتحادیه نجاران شعبه ۷۱۳ و گرداننده سایت اوکلندسوسیالیست)
- شریل زور (دبیر سابق فدراسیون کارکنان ایالت، استان و شهرداری آمریکا شعبه ۴۴۴)
- کیران اف ناتسون (دبیر اتحادیه کارگران ارتباطات آمریکا شعبه ۷۲۵۰ - در ظرفیت شخصی)
- مارکوس جلابی، از اعضا حزب لیبر بریتانیا و نویسنده

پشتیبانی سازمانی:

(OaklandSocialist (www.OaklandSocialist.com

(Socialist Core (www.socialistcore.org

Newham Socialist Labour

(Workers International Network (www.onthebrink.online

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۸ ژوئیه ۲۰۲۱

* استخدام منظم با قرارداد استاندارد را بر اساس پایان سیستم پیمانکاری، تقسیم و تفرقه کارگران به پیمانی، موقت، رسمی و غیر رسمی و قراردادهای دیگر، فراهم کند.

* تمامی قوانین مناطق ویژه اقتصادی که حق اعتصاب و سازمان را منع کرده اند، ملغی کند و حق کارگران برای تشکلات مستقل کارگری را به رسمیت بشناسد.

رفقا، شما مسیر درست، و تنها راه پیروزی برای حقوق مردمی که در ایران کار می کنند را انتخاب کرده اید. مرکز مبارزات کارگری همراه با مردمی که در لانکا کار می کنند در همبستگی با شما خواهند بود.

لینک اطلاعیه:

۳۹-۲۳-۱۰-۲۴-۰۷-۲۰۲۱/https://pishvand.com/links/politics-and-controversy

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۷ ژوئیه ۲۰۲۱

اطلاعیه شماره دو

حمایت جهانی از اعتراضات کارگران نفت و اعتراضات توده ای

در پشتیبانی از اعتصابات کارگران نفت و اعتراضات توده ای در اقصی نقاط ایران، پیام دیگری به دست ما رسیده است که ترجمه آن را در زیر میخوانید:

همکاران کارگر

بنا به گزارشات متعدد، اعتصابات و اعتراضات گسترده ای در ایران در جریان است - بیش از دو هزار اعتراض کارگری در عرض ۱۲ ماه اخیر! این شامل اعتصاب بیش از صد هزار نفر از کارگران نفت در ۱۹ شهر ایران است که خواهان:

* افزایش حقوق، پرداخت سر مود و فوری تمام حقوق مقرر
* پایبندی کامل و جامع با موازین ایمنی کار در تمامی بخش ها
* کار بر اساس ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی (بسیاری از کارگران دور از خانواده های خود در مراکز با دمای ۵۰ درجه در جنوب ایران و یا در دکل ها کار می کنند)

* استخدام منظم با قرارداد استاندارد و ملغی شدن سیستم پیمانکاری، تقسیم و تفرقه کارگران به پیمانی، موقت، رسمی و غیر رسمی و قراردادهای دیگر
* به رسمیت شناختن حق کارگران برای تشکلات مستقل خود و ملغی کردن قوانین مناطق ویژه اقتصادی که حق اعتصاب و سازمان را منع کرده اند.

ما همبستگی خود را با خواست های کارگران نفت، کارگران هفت تپه، و مبارزات کارگران ایران در عموم برای ایجاد سازمانها و اتحادیه های مستقل و آزاد خود و برای حقوق کامل دموکراتیک خود را اعلام می کنیم. ما به جسارت طبقه کارگر ایران برای این اتحاد طبقاتی و علیه کلیه تفرقه های حاکم، درود می فرستیم. ما همچنین از مبارزات توده ای که در جریان هستند نیز پشتیبانی می کنیم. پیروزی طبقه کارگر و شکست دادن رژیم دیکتاتوری سرمایه و گشایش امکان در مبارزه علیه استثمار سرمایه داری و تمام اشکال ستم، منجمله بر اساس ملیت، مذهب، جنسیت، حیاتی است.

ما همچنین مخالف دخالت قدرت های خارجی، مخالف تحریم ها به رهبری آمریکا، که تنها توده های مردم در ایران را مورد حمله قرار میدهد و صفوف طبقه کارگر را نشانه میگیرد، هستیم.

جنبش کارگری در ایران قدرت تغییر سیاست های جهانی را دارد. ما جنبش کارگری و عموم کارگران در آمریکا و جهان را به پشتیبانی از این اعتراضات و خواست پایان دادن به تحریم های رهبری شده توسط آمریکا بر ایران، فرا می خوانیم.

hekmatist.com

سربازان!

مردمی که علیه بی آبی، بی برقی، فقر و استبداد در سرتاسر ایران به خروش آمده اند، همشهریان، همسایگان، مادران، پدران، خواهران و برادران شما هستند که دیگر فقر و فلاکت و خفقان را تحمل نمیکنند و برای بدست گرفتن سرنوشت خود به خیابانها آمده اند!

شلیک به آنان شلیک به تلاش میلیونی آنها برای یک زندگی انسانی، آزاد و سعادتمند است.

شما فرزندان این مردم تشنه آب و آزادی، تشنه رفاه و برابری هستید! شما متعلق به این صف میلیونی بشارت دهندگان آزادی، رفاه و امنیت و سعادت همگانی هستید! این تعلق را با پیوستن به مردم، با بر زمین گذاشتن سلاح ها و تحویل دادن اسلحه های خود به مردم معترض علنا اعلام کنید.

به صف پدران و مادران خود پیوندید! آینده از آن مردم آزادیخواه ایران است. در این آینده سهم شوید!

صدای آزادی، صدای برابری



تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti@gmail.com

حکمتیست هفتک

سر دبیر: فواد عبداللهی

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!